

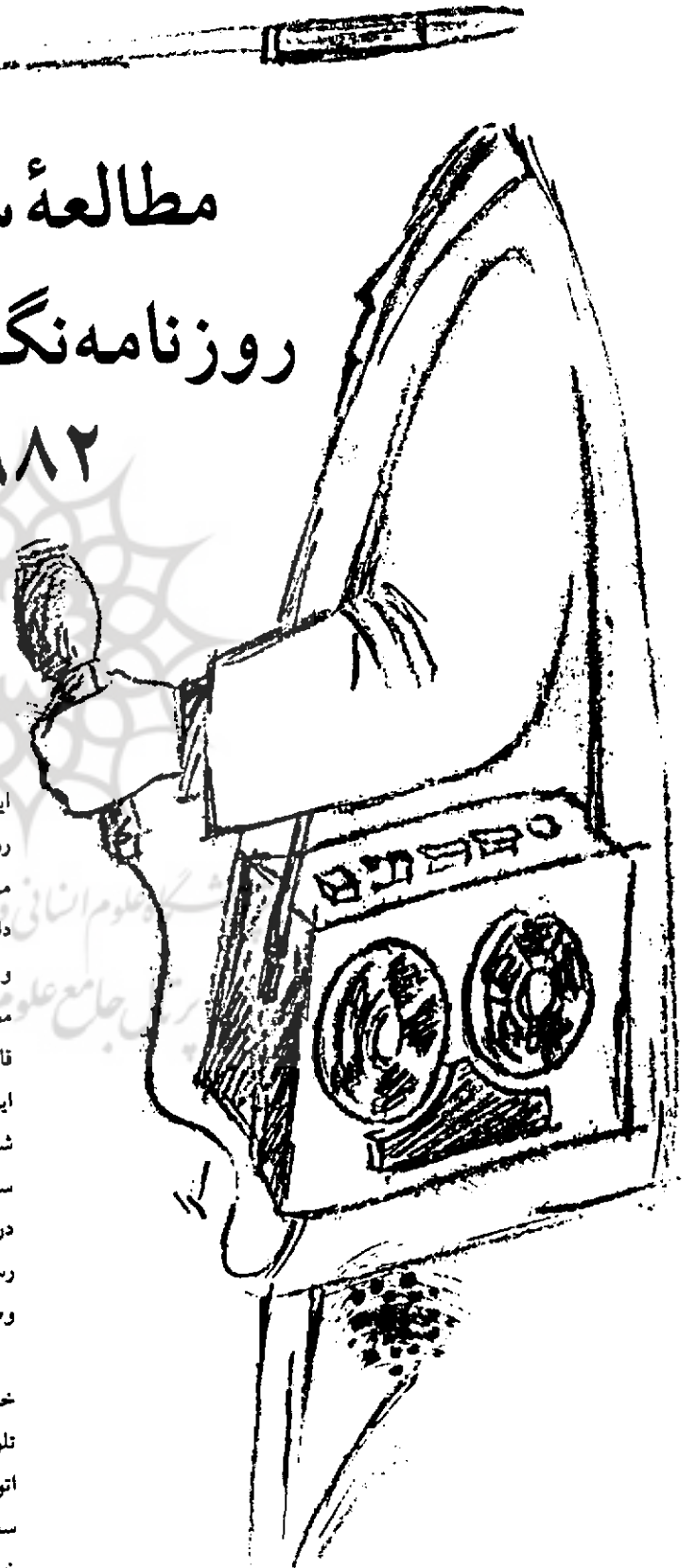
مردن و (کشته شدن) بر سر شغل

مطالعه سرگذشت روزنامه نگاران جهان ۱۹۸۲-۱۹۸۹

منبع: Journalism Quarterly, vol. 68, No 1/2 (spring / Summer 1991)

این بررسی نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۲ تا پایان ۱۹۸۹ در مجموع ۲۷۳ روزنامه نگار در سراسر جهان جان بر سر شغل گذاشتند. اینان یا تصادفی مردند یا کشته شدند یا به علل دیگری جانانشان را در راه کارشان از دست دادند. این بررسی ثابت کرده است که امریکای لاتین با بیشترین تعداد مرگ و میر روزنامه نگاران در کلمبیا و پرو، خطرناکترین منطقه از این نظر محسوب می‌شود. همچنین ثابت شده است که تهیه گزارش درباره قاچاقچیان مخاطره آمیزترین اخبار برای جان گزارشگران بوده است. طی این سالها در فیلیپین نیز تعداد معتابهی از روزنامه نگاران (۴۱ نفر) کشته شده‌اند علاوه بر این حدود ۱۲ درصد از مجموع روزنامه نگاران مقتول در سوانح و تصادفات کشته شده‌اند. و نیز تخمین زده شده است که ۶۹ درصد درگذشتگان نیز در جریان انتقام جویها و اقدامات تلافی جویانه به هلاکت رسیده‌اند. این بررسی، همچنین ارقام دیگری را نیز ارائه می‌کند که نشانگر وضع مرگ روزنامه نگاران در دیگر مناطق جهان است.

عصر روز آخرین شنبه سال ۱۹۸۹ سه ضارب مسلح گیمو گومز مورئو خبرنگار روزنامه کلمبیایی ال اسپکتادور را در حالی که مشغول تماشای تلویزیون بود در منزل پدرش کشتند. درست چند روز پیش از این واقعه اتومبیل حامل بمبی خارجی از دفتر روزنامه منفجر شده و دیوارهای ساختمان آن را فرو ریخته بود. در این انفجار به دستگاههای چاپ روزنامه خساراتی وارد آمد و چهل تن نیز مجروح شدند (۱). ال اسپکتادور قدیمی



ترین روزنامه این کشور به شمار می‌آید که از مدتی پیش پیگیرترین تحقیقات را درباره کارتل مواد مخدر کلمبیا آغاز کرده بود. این جنگ در سال ۱۹۸۶ با از پای درآوردن گیرمو کانو سردبیر روزنامه آغاز شد. پس از آن دست کم ۳۰ روزنامه نگار کلمبیایی کشته شدند. پابلو آگوستو تورس مدیر مسؤول روزنامه *ال اسپکتادور* در جایی گفته بود: «جبهه‌های کارزار مشخصی وجود ندارد. شما هرگز نمی‌توانید چهره آنها را ببینید» (۲) جنگ کارتل مواد مخدر کلمبیا علیه روزنامه نگاران جنگی گسترده است. اما تفاوتی با دیگر موارد کشتار روزنامه نگاران در سایر کشورها ندارد. در همه حال خبرنگاران تنها در پی مطلع ساختن عموم مردم از قتل عامی به قتل رسیده‌اند. (۳)

از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹

دست کم ۲۷۳ روزنامه نگار در دوره هشت ساله از آغاز ۱۹۸۲ تا پایان ۱۹۸۹ جانشان را بر سر شغلشان گذاشتند به طوری که جدول شماره یک نشان داده مرگ و میر روزنامه نگاران در سالهای آخر دوره به طور منظم افزایش یافته است. مرگها در ۵۱ کشور صورت گرفته است. تعجبی ندارد که امریکای لاتین مهلک ترین منطقه برای روزنامه نگاران باشد. ۴۳ درصد از مرگهای ثبت شده در بین روزنامه نگاران در آمریکای جنوبی و مرکزی رخ داده (یک مورد از این مرگها در منطقه کارائیب روی داده است) جدول شماره دو نشان می‌دهد منطقه آسیا و اقیانوسیه با ۸۵ نفر کشته (۳۱ درصد کل) دومین منطقه مرگ آفرین برای روزنامه نگاران بوده است.

جدول شماره یک آمار مرگهای ثبت شده در بین روزنامه نگاران در سالهای

۱۹۸۲ - ۱۹۸۹

۱۹۸۲	۱۱	۱۹۸۶	۲۸
۱۹۸۳	۲۰	۱۹۸۷	۳۶
۱۹۸۴	۲۱	۱۹۸۸	۴۶
۱۹۸۵	۳۴	۱۹۸۹	۷۷

جدول شماره دو درصد مرگهای ثبت شده در بین روزنامه نگاران براساس

مناطق (۱۹۸۲ - ۱۹۸۹)

۴۳	امریکای لاتین
۳۱	آسیا - اقیانوسیه
۱۰	خاورمیانه
۷	اروپای غربی
۴	آفریقا
۳	امریکای شمالی
۲	اروپای شرقی

فیلیپین در دوره هشت ساله مذکور با ۴۱ کشته خطرناکترین کشور برای روزنامه نگاران، بخصوص گزارشگران رادیو-تلویزیون، محسوب می‌گردد. در این دوره شورشیان کمونیست پی در پی ایستگاههای رادیو-تلویزیون را به تصرف درآورده‌اند. آنها گسترده‌ترین مخاطبان را برای اخبار و تفسیرهای خود دارند بخصوص در مناطقی که سطح سواد پایین است.

دولت فردیناند مارکوس در سال ۱۹۸۳ برای به اصطلاح «تهاجمهای مداوم تبلیغاتی» علیه دولت کیفر مرگ مقرر کرد (۴) اگرچه این قانون به اجرا

درنیامد اما موج خشونت را به سمت رسانه‌های خبری سوق داد.

فقط در سال ۱۹۸۵، ۱۶ خبرنگار در فیلیپین به هلاکت رسیدند. قتلها عمدتاً به نیروهای سیاسی حاکم و شورشیان کمونیست نسبت داده شده، گرچه هیچ‌گاه کسی به قتل متهم نشد. در عین حال چریکهای کمونیست عامل قتل شش تن از روزنامه نگاران شناخته شدند و سربازان نیز عامل مرگ دو نفر دیگر؛ یک نفر از ۱۶ مقتول نیز قربانی یک گروه ضد کمونیست شد، یک نفر نیز ظاهراً به علت «ارزیابی شرایط سیاسی» کشته شد و قاتل او شناخته نشد. سه نفر دیگر نیز به علت انتقادهای شدید به قاچاق، فساد و رشوه و سندیکای تبهکاران کشته شدند.

کلمبیا دومین رتبه را در مرگ آفرینی برای خبرنگاران دارد. بیشتر ۳۱ روزنامه نگار مقتول را در این کشور در سالهای ۱۹۸۸ - ۸۹، قاچاقچیان کشته‌اند، زیرا با گزارشهای تحقیقی روزنامه نگاران درباره کارتل مواد مخدر کلمبیا مخالفند. قاچاقچیان مواد مخدر علاوه بر روزنامه نگاران، قضات و دیگر مقامات رسمی کشور را نیز در جنگ اعلام شده خود علیه مؤسسات دولتی مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. پرو سومین صحنه کشت و کشتار روزنامه نگاران است. در آنجا ۲۲ روزنامه نگار را عمدتاً پارتیزانهای مائوئیست گروه «راه درخشان» به قتل رساندند.

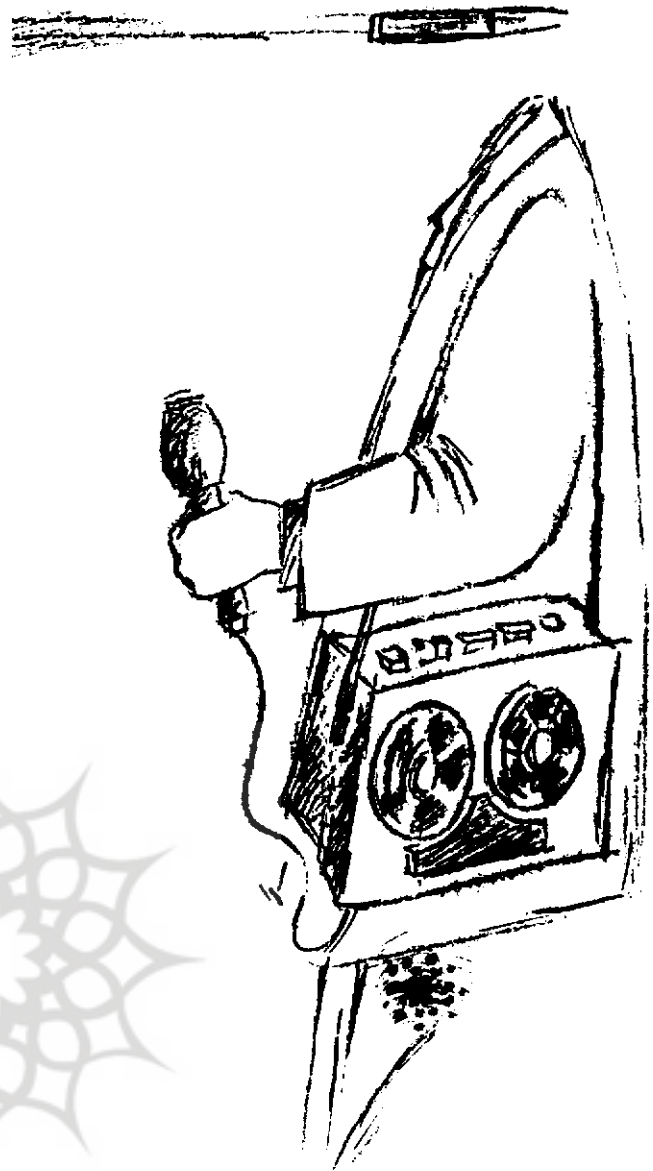
در سالوادور نیز ۱۸ نفر از روزنامه نگاران به قتل رسیده‌اند؛ از جمله علل شناخته شده قتلهای مذکور اینها بوده است: کشته شدن شش نفر در رویارویی مسلحانه بین نیروهای دولتی و شورشیان کمونیست؛ دو نفر در هنگام سفر با شورشیان و یک نفر نیز در سانحه‌ای به هنگام تهیه گزارش از شورش کشته شدند؛ چپ‌گرایان نیز ادعا کردند که مقاله نویسی محافظه‌کاری را به قتل رساندند. (۵)

پیش از آن یک روزنامه محافظه‌کار افراطی خواستار مرگ عده‌ای شده بود که به زعم آن روزنامه اخبار را تحریف می‌کردند و به شورشیان یاری می‌رساندند و این امر می‌تواند جان آن روزنامه نگار را در معرض خطر قرار داده باشد.

۱۲ درصد از مجموع مرگ و میرهای روزنامه نگاران در هشت ساله ۱۹۸۲ - ۸۹ در سوانحی رخ داده که خبرنگاران به هنگام تهیه گزارشهای مربوط به زد و خوردهای نظامی یا شورشها با آنها مواجه شده‌اند (در چهار دهه پیش از این بررسی به طوری که بعداً خواهیم گفت حدود ۲۰۸ روزنامه نگار بر اثر سوانح در طول جنگها کشته شدند) نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که جان ۶۹ درصد از مجموع قربانیان برای انتقام گرفتن یا هشدار دادن به سایر خبرنگاران گرفته شده است. پلیس و همکاران قربانیان علت مرگ این عده را اقدام آنان به ارسال خبرهای مربوط به مسائل سیاسی و شورشها دانسته‌اند.

۱۲ درصد از مقتولان بر اثر ارسال خبرهای مسائل مربوط به مواد مخدر کشته شده‌اند و چهار درصد نیز قربانی ارائه گزارشی در مورد رشوه و فساد شده‌اند. علت سه درصد از مرگها ناشناخته مانده است.

در همه مناطق عمده‌ترین انگیزه کشتار روزنامه نگاران پرداختن آنان به اخبار و گزارشهای مربوط به مسائل سیاسی و شورشها بوده است. امریکای لاتین با ۷۲ مورد مرگ و میر در دوره هشت ساله مذکور، از لحاظ مرگ خبرنگاران به علت ارسال گزارشهای مربوط به مسائل سیاسی در رأس قرار



دارد. اما در سالهای ۱۹۸۸ - ۸۹ اعمال کینه توزانه بر اثر تهیه گزارش از قاچاق مواد مخدر علت اصلی قتل روزنامه نگاران در امریکای جنوبی بوده است. جنسایتکاران سیاسی به ترتیب در آسیا و اقیانوسیه ۶۵ نفره در خاورمیانه ۲۲ نفر، در اروپای غربی ۱۳ نفر، در آفریقا ۸ نفره در امریکای شمالی ۸ نفر و در اروپای شرقی نیز ۲ نفر را به قتل رسانده‌اند.

جدول شماره ۳ مرگ روزنامه‌نگاران برحسب علت ارسال خبرها

سیاسی / شورشها	۶۹
فساد و رشوه خواری	۴
مربوط به مواد مخدر	۱۲
حوادث / جنگها	۱۲
نامشخص	۳

سالهای ۱۹۳۴ - ۸۱

پیش از این تحقیق، در طول ۴۷ سال (از ۱۹۳۴ تا ۱۹۸۱) دست کم ۲۰۸ روزنامه نگار، عمدتاً در مناطق جنگی کشته شده‌اند. محقق فرانسوی

فهرستی تهیه کرده است که منحصرأ بر پایه گزارشهای خبرگزاریهای فرانسه و رویتر است و گزارشهای منابع دیگر را در این زمینه دربر نمی‌گیرد. این تحقیق کشته شدگان جنگهای اسپانیا و سایر مناطق اروپا، هندوچین، کره، خاورمیانه، امریکای مرکزی و آفریقا را دربرمی‌گیرد. مرگ و میر روزنامه نگاران برحسب منطقه در محدوده زمان مذکور به این ترتیب بوده است:

آسیا و اقیانوسیه ۸۱ نفر؛ امریکای لاتین ۳۷ نفر؛ خاورمیانه ۳۶ نفر؛ اروپای غربی ۳ نفر؛ آفریقا ۱۷ نفر؛ امریکای شمالی ۳ نفر؛ اروپای شرقی ۲ نفر. بیشترین تعداد تلفات یک ساله در این دوره مربوط به سال ۱۹۷۹ با ۱۹ روزنامه نگار مقتول بوده است که تقریباً به تعداد مساوی در امریکای لاتین، آفریقا، خاورمیانه و اروپای غربی و شرقی به قتل رسیده‌اند. از این عده چهار روزنامه نگار در اوگاندا و در هر یک از سه کشور آرژانتین، نیکاراگوا، و ترکیه دو روزنامه نگار به قتل رسیده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تعداد روزنامه‌نگاران مقتول در سال ۱۹۸۹ در سراسر جهان هفتاد و هفت نفر بوده است که بیشترین تلفاتی است که در یک سال ثبت شده است. این رقم نسبت به سال ۱۹۸۸، ۴۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. به استثنای سال ۱۹۸۶، از ۱۹۸۲ تعداد کشته شدگان هر ساله افزایش یافته است. تنها در سال ۱۹۸۹ بیش از ۱۰۴۵ مورد مختلف از مداخله در کار روزنامه نگاری در ۸۵ کشور جهان ذکر شده است. باید توجه داشت که چنین فهرستهایی فقط موارد گزارش شده را دربردارد و بدون شک دخالت‌های بیشتری صورت گرفته که در جایی درج نشده است. تا یک دهه پیش کمتر اخبار و گزارش‌هایی راجع به آسیب‌هایی که به روزنامه‌نگاران می‌رسید در مطبوعات به چشم می‌خورد. در دهه هفتاد نیز صدها خبرنگار با مورد اذیت و آزار قرار گرفتند، یا سانسور و زندانی شدند و یا از طرق دیگر نظیر تهدید و آزار جسمی، روانی و مالی از تهیه اخبار صحیح در مورد وقایع و شخصیتها منع شدند. سردبیران و خبرنگاران رسانه‌ها البته به مخاطراتی که در کشورشان و بیشتر ممالک دیگر وجود دارد آگاه‌اند. سردبیران و خبرنگاران اغلب اشکال پیچیده‌ای از خود سانسوری را در پیش می‌گیرند تا از درگیری و رویارویی با مجازات از جانب دولت و دیگران که قصد تحریف اخبار و اطلاعات را برای حفظ منافع خود دارند درامان بمانند.

اگرچه درباره خطراتی که روزنامه نگاران با آن مواجه‌اند مطالب چندانی منتشر نشده است، انجمن‌های متعددی متشکل از سردبیران و ناشران روزنامه‌ها در طی سالیان برای انتشار این اخبار تشکیل شده است. انجمن بین المللی مطبوعات (IPJ) که مقر آن در لندن است) بیانیه‌های اعتراض آمیز و شدید اللحنی را خطاب به دولتهایی که دست به توقیف و تعطیل رسانه‌های خبری می‌زنند، یا از طرق دیگر آنها را مورد آزار قرار می‌دهند صادر کرده است. انجمن مطبوعات داخلی امریکا (IAPI) که مرکز فعالیت آن در میامی است) نیز چنین کاری را برای رسانه‌های قلمرو فعالیت خود انجام داده است. سازمان عفو بین‌المللی ردهاها و نشانه‌هایی از روزنامه نگاران زندانی یافته است. این سازمان در سفری با عنوان راهنمای سانسور و در گزارش شماره ۱۹ خود که در لندن به چاپ رسید گزارش‌هایی درباره

روزنامه نگارانی که از حقوق پذیرفته شده جهانی خود محروم شده‌اند انتشار داده است. با این حال در چندسال اخیر انجمن بین المللی مطبوعات و انجمن مطبوعات داخلی آمریکا به ضرورت اعتراض و ارائه گزارشهایی از وقوع چنین اتفاقاتی در مطبوعات تحت پوشش خود پی برده‌اند.

از وقتی که نشر اخبار درباره آزار و اذیت روزنامه نگاران مشروعیت یافت و دیگر به منزله «اخبار خبرچینها» یا نشانه تأثیرپذیری از فشارهای خارج از هیئت تحریریه قلمداد نشد، بتدریج حملات و تهاجمها علیه خبرنگاران مطبوعات بیشتر شد. درج اخبار مربوط به دستگیری سانسور و حملات منجر به مرگ تا اندازه زیادی از پس آگاهی یافتن از سرکوبها صورت گرفت و بر اثر آن این عقیده که روزنامه نگاری همچون دیگر حرفه‌ها حرفه‌ای تجاری نیست قوت گرفت. مسئولیت خاص این حرفه تجهیز کامل جامعه با اطلاعاتی است که بر مبنای آن خطرترین خط مشی‌های جوامع شکل می‌گیرد؛ گرچه از سرگرم کنندگی آن نیز نباید غافل شد. نتیجه‌ای که از این بررسی به دست آمده نشان می‌دهد دخالتی که از سوی دولتهای کشورهای مورد بررسی، سرکردگان پخش مواد مخدر و سایر اشخاصی که منافع و علایقشان تهدید می‌شود در وظیفه اصلی خبرنگاران صورت می‌گیرد باید برای عموم مردم فاش شود. اما ظاهراً عوامل سرکوبگر در داخل یا خارج از این دولتها به این نتیجه رسیده‌اند که کشتن نویسندگان ممکن است توجه عامه را به انگیزه قاتل جلب کند و این خود بر تأثیر خیر منتشره بیفزاید.

«کانون آزادی» که پس از سال ۱۹۴۱ مسائل مربوط به حقوق مدنی و سیاسی را در سطح جهان بررسی و کنترل می‌کند در سال ۱۹۸۲ برای اولین بار به ثبت منظم اعمال تهدید و آزار جسمی، روانی و مالی و تعدیاتی که از سوی سر دبیری مطبوعات بر روزنامه نگاران وارد می‌گردد، پرداخت. این تحقیق متکی بر گزارش‌های رسمی، گزارشهای مطبوعات و بنگاههای تخصصی است. این اطلاعات همچنین براساس گزارشهای «کمیته دفاع از روزنامه نگاران» (CPJ) که مقر آن در نیویورک است و به منظور واریسی و جلوگیری از خشونت علیه آزادی مطبوعات در سطح جهان بنیاد نهاده شده فراهم آمده. همچنین گزارشهای رپورترسان فرونتیرز را دربر می‌گیرد که اختصاصاً به درج اطلاعاتی درباره خشونت‌های ضد مطبوعاتی در کشورهای فرانسوی زبان که قبلاً به اندازه کافی بررسی نشده است می‌پردازد. گاهی اوقات ممکن است در گزارش خشونت‌ها بین سازمانهایی که به این کار می‌پردازند، اختلافاتی وجود داشته باشد. برای مثال، کمیته دفاع از روزنامه نگاران در سال ۱۹۸۹ تعداد ۵۳ مورد قتل روزنامه نگاران را گزارش کرد که تقریباً دو برابر رقمی بود که این کمیته در سال ۱۹۸۸ اعلام کرده بود. در صورتی که کانون آزادی ۷۷ مورد قتل را در سال ۱۹۸۹ برشمرده بود. این تفاوتها از دو عامل ناشی می‌شود: اول اینکه چه کسی را روزنامه نگار می‌دانند؛ کانون آزادی هرکسی را که برای رسانه‌ای خبری کار می‌کند و جان بر سر شغلش نهاده باشد در فهرست آورده است. در صورتی که کمیته دفاع از روزنامه نگاران فقط نویسندگان و دبیران رسانه‌ها را روزنامه نگار دانسته است؛ دوم اینکه آیا روزنامه نگار مقتول جان بر سر شغلش گذاشته یا به علل دیگری کشته شده؛ گاهی قضاوت در این مورد بسیار سخت است.

پس از سال ۱۸۹۹، مجامع آزاد بین الدول در جست و جوی راههای گوناگون برای دفاع از روزنامه نگاران به هنگام مأموریت‌های مخاطره آمیز بوده‌اند. (۹) این گونه گمان می‌رفت که گزارشگران جنگی نخستین روزنامه نگارانی باشند که دفاع از آنان ضروری است. در حالت جنگ رسمی روزنامه نگاران عموماً شهروندانی به حساب می‌آیند که موافقتنامه‌های ژنو از آنان حمایت کرده است. در صورتی که در مورد شورشهای چریکی چنین نیست. جنگهای خانگی هنوز برای خبرنگاران مرگبارتر است. کارت شناسایی نیز می‌تواند آنان را از خطر مرگ حفظ نماید همچنانکه ممکن است موجب مرگشان شود. خط ویژه تلفنی کمیته جهانی صلیب سرخ پس از سال ۱۹۸۵ به چند روزنامه نگار مفقود یاری رساند. به نظر می‌رسد که رعایت قانون و وجدان مرتکبین به این جنایات اساساً تعیین کننده زندگی یا مرگ یک روزنامه نگار در وضعی مخاطره‌آمیز باشد.

پی‌نوشتها:

لئونارد ر. ساسمن صاحب‌نظر و محقق ارشد ارتباطات بین‌المللی در کانون آزادی است؛ جایی که وی به مدت ۲۱ سال عهده‌دار مدیریت اجرایی آن بوده است. وی همچنین استادیار روزنامه نگاری و ارتباط جمعی در دانشگاه نیویورک است.

1- Douglas Farah, Washington Post, Sept. 19, 1989. P. a27.

2- Ibid, A 22

۳- منظور ما از روزنامه نگار کسی است که در یک رسانه خبری به کار نوشتن، ویرایش، انتشار، تبلیغ یا اشاعه خبر اشتغال دارد.

4- Associated Press, W 778, May 11, 1983.

۵- نیروهای دولتی در چهار مورد از این شکارها شناسایی شده‌اند کارکنان تلویزیون آلمان در آن زمان که سربازان دولتی به سمت شورشیان آتش گشودند حضور داشتند، دولت این خبر را تکذیب کرد.

6- New York Times, April 1984 (From Reuters)

7- Associated press W 927, March 7, 1984

۱۸۸۸ پانگراف براساس رساله دکتری منتشر شده‌ای به سال ۱۹۸۹ با مشخصات زیر ذکر گردیده است:

Sylvie Boiton-Malherbleas, La Protection des Journalistes en Mission
Perilleuse daxes Zones de Coxtict Arme, Brussels: Editions Brylant, 1989.

9- see: Hans - Peter Gasser 'the protection of journalists engaged
in dangerous professional missions' and Alain modoux
International Humanitarian Law and Journalists Mission in
International Revica of the Red Cross* Jan - feb. 1983

۱۰- یک کارت در جیب خبرنگار جان او را از تیراندازان یا تیراندازان یا از اتومبیلی که با سرعت در حرکت است حفظ نخواهد کرد. این گفته دانا بالن، مدیر اجرایی کمیته آزادی مطبوعات جهان در اجلاس یونسکو درباره حفظ مطبوعات در سال ۱۹۸۱ است. او همچنین اضافه کرد که خبرنگاران برای این تبعید یا زندانی نمی‌شوند که کسی نمی‌داند که آنان خبرنگارند [بلکه] به این علت که خبرنگارند.

11. Gene P. Mater, "RedCross Hotline It Works", Washington Journalism
Review, OCT. 1989, p.50.